گزارش

رمزگذاری بانک‌ها برای منابع قرض‌الحسنه

خودکشی طرح‌های اشتغالی

■ **مهر:** اتخاذ سیاست انقباضی و قفل شدن منابع بانکی روی طرح‌های اشتغالی از زودبازده‌ها تاکنون باعث خودکشـی زودبازده‌ها، از دست رفتن توجیه اقتصادی طرح‌ها، جدی نگرفتن پروژه مشاغل خانگی و حتی مانع‌تراشـی برای تحقق طرح ۲/۵میلیونی اشـتغال در سـال‌جاری شده است. اشـتغال‌زایی و فراهم کردن فرصت‌های جدید در بازار کار به منظور پاسـخگویی به نیازهای جوانـان، یکی از مهم‌ترین پیگیری‌ها و شـعارهای دولت‌هـا در زمان روی کار آمـدن و فعالیت اسـت، چراکه اشـتغال همواره در دهه‌های گذشـته نه‌تنها مورد توجه ویژه خانواده‌ها بلکه به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازها و دغدغه‌های آنها نیز مطرح بوده است. در واقع ورود جوانان به بازار کار و اشتغال و دستیابی به یک کسب و کار آینده‌دار همواره مورد دغدغه خاطر و نگرانی خانواده‌ها بوده و هست. با این حال نیاز ایجاد فرصت‌های جدید شغلی به منابع مالی و تسهیلاتی به‌خصوص در دهه اخیر ،دولت‌هـا را با چالش‌ها و موانع بسـیاری در تحقق برنامه‌های اشتغالی مواجه کرده است.

پول؛ شریان حیاتی طرح‌های اشتغالی

ارتباط مستقیم همه طرح‌هایی که توسط دولت‌ها از گذشته تا کنون به منابع مالی و تسهیلاتی داشته نقش سیستم بانکی کشور در کاهش نرخ بیکاری را تا یک نقش پررنگ و تاثیرگذار ارتقا داده اسـت. بر پایه این گـزارش، اگر نخواهیم خیلی دور برویم در زمان مطرح شدن طرح‌های خوداشتغالی که بر پایه وام‌های سه‌میلیون تومانی همراه بود، دولت وابستگی مستقیم خود به تامین مالی از شبکه بانکی کشور را نشـان داد. به عبارت دیگر در آن مقطع که دولت با هـدف افزایش قدرت مالی جوانـان در ورود به بازار کار اقدام به توزیع وام‌های سه‌میلیون تومانی می‌کرد، هیچ‌گاه به این موضوع فکـر نکرده بود که این نوع وام‌ها نه‌تنها منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار نخواهند شد، بلکه فرصتی برای سوءاستفاده برخی افراد نیز فراهم خواهد آورد.

خودکشی خوداشتغالی‌ها

در نهایت نیـز وام‌های خوداشـتغالی منجر به پرداخت منابع مالی به گروه‌هایی از جوانان شد که بخش قابل توجهی از آن نیز به کسـب و کار نرفت و با نام اشتغال منحرف شد و سر از جاهای دیگری درآورد. با روی کارآمـدن دولت نهم، برنامه‌ریزان و طراحان پروژه‌های اشـتغالی تلاش کردند تا با رفع برخی موانع و مسـایل اجرای خوداشتغالی از جمله نبـود نظارت و منحرف شـدن منابـع و همچنین قوی‌تر کردن منابع مالی برای اختصاص به طرح‌ها ره صدسـاله را یک‌شـبه بروند و به اصطلاح با یک طـرح ضربتی جلو افزایش نرخ بیـکاری را بگیرند. بنابراین طرح بنگاه‌های کوچک زودبازده که به نوعی خوداشتغالی ارتقا یافته بود، مطرح و متولد شد با این شباهت به طرح‌های ماقبل خود که همگی به منابع بانکی وابستگی شدیدی داشته‌اند و با این تفاوت که دولت ادعا کرد، خواهد توانسـت انحراف تسهیلات را بگیرد و با پرداخت مرحله‌ای تسـهیلات بر روند اشتغال‌زایی ،بنگاه‌های کوچک را مدیریت می‌کند.

جنگ قفل‌های بانکی با طرح‌های اشتغالی

در ایـن مقطع از زمان بانک‌هـا نیز با رفتارهای پرفراز و نشیب خود در مقابل زودبازده‌ها موضع‌گیری کردند و با مطرح کردن دو قفله و سـه قفله شـدن منابـع بانکی و اتخاذ سیاسـت‌های انقباضی موانع جدی را بر سر راه تسهیلات‌گیری زودبازده‌ها ایجاد کردند. با این حال با اصرارهای فراوان وزیر سابق کار کـه حتی منجر به تغییر رییـس‌کل بانک مرکزی شد و حمایت‌های مسـتقیم رییس‌جمهور از ایده گسترش زودبازده‌ها، این طرح‌ها توانستند تا ۲۸هزار میلیارد تومان از بانک‌ها منابع تسـهیلاتی دریافت کنند و نهایتا با اتمام دولت نهم، رو به افول بگذارند و راهی بایگانی شوند. از اشتغال‌زایی زودبازده‌ها هم روایت‌هـای فراوانی وجود دارد که حداکثر آن ۹۰۰ هزار فرصت اعلام شـده اسـت، همچنین در مورد منحرف شدن منابع زودبازده‌ها نیز تفاسیر متفاوتی از چهار تا ۵۰ درصد ارایه شـده و مطرح‌کنندگان از گزارش‌های خود دفاع کرده‌اند.

مقابله قفل‌ها با طرح‌ها

ولی‌الله صالحی بـا تاکید بر اینکه اگر بخواهیم اشـتغال را صرفا بـا پول ایجاد کنیـم قطعا پایدار نخواهد بود، گفت: تامین اعتبار در زمان طی پروسه ایجاد بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی کشور، بخشی از کار است. نماینده سابق کارگران در شورای‌عالی کار اظهار داشت: تاکنون در نشست‌ها و جلسات برگزار شـده، بحث‌های فراوانی برای کوتاه کردن مسـیر اشـتغال‌زایی مطرح شده به نحوی که از دستگاه‌ها خواسته شده تا طرح‌های اشـتغال‌زایی مربوط به زیرمجموعه‌های خود را در اولویت کارها قرار دهند.

صالحی خاطر نشـان کرد: اینکه بخواهیم فقط از یک روش در اشـتغال‌زایی اسـتفاده کنیم قطعا به نتیجه مطلـوب نخواهیم رسـید؛ بنابراین لازم اسـت تا در کنار به‌کارگیری سـرمایه‌های داخلی کشـور و ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران داخلی، از فرصت‌هـای خارجـی نیز اسـتفاده شـود. وی حضور سرمایه‌گذاران خارجی در بازار کار، اشتغال و تولید کشـور را منوط به فراهم بودن زمینه‌های لازم سرمایه‌گذاری دانست و بیان داشت: امروز دنیا به دهکده جهانی تبدیل شـده است و سرمایه‌گذار خارجی به‌خوبی فرصت‌ها و موانع کشورها را رصد می‌کند، پس هر زمان که توانستیم زمینه‌های لازم برای جذب سـرمایه‌گذار خارجـی را فراهم کنیم، مطمئن باشیم که او خواهد آمد.

گزارشی از شرایط نامطلوب اقتصادی کارگران ساختمانی؛ میهمانان میادین بزرگ پایتخت

... از رنجی که می‌کشیم

مهدی دل‌روشن

عکس: عباس کوثری، شرق

شاید تو هم مثل من بارها و بارها، آنها را در چهارراه‌ها دیده باشی. اغلب ایستاده‌اند و در انتظار وانت و صاحب‌کاری هستند که بیاید و آنها را انتخاب کند! اشتباه نکنید، آنها مانکن‌های آنچنانی نیسـتند، آنها کارگران سـاختمانی هسـتند؛ کسانی که ریسـک بالای کارگری روزمزدی را به جان خریده‌اند تا خدای نکرده، مجبور نشـوند از دیوار خانه‌ای بالا بروند. بیشـتر اوقات، تجمعی بیش از ۲۰ نفر دارند و حتی در گرم‌ترین نقطه روز نیز در سایه‌ای کوچک با چهره‌هایی خسته، عطش کار دارند. وقتی با یکی از آنها صحبت می‌کنم، می‌گوید: چند روز اسـت که می‌آیم اما کار نیسـت! بعد از ظهر که بر می‌گردم، سفره‌مان دوباره خالی اسـت! آنقدر از این و آن، قـرض گرفته‌ام که روی دیدن آنها را ندارم. همیشه خدا، شرمنده فرزندانم هستم. کوچک‌ترین خواسته‌هایشـان در جیب‌های تار عنکبوت گرفته‌ام، گم می‌شود! آخر من چه گناهی کردم که کارگر شـدم! جرم من، کارگر بودن اسـت. نه بیمه‌ای دارم و نه آینده‌ای! کارگران روزمزد ساختمانی براساس قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲/۸/۲۱ مجلس شورای ملی و براساس اصلاحیه مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۷ مجلس شورای اسلامی چنانچه دچار حادثه ناشی از کار شوند، در صـورت نیاز به مداوا از مزایای بیمه تامین اجتماعی بهره خواهند برد و در صورت فوت برای بازماندگان مسـتمری برقرار می‌شـود. با نگاهی به آمار موجود در مورد کارگران فصلی مشـاهده می‌کنیم که در سال ۱۳۴۵، ۳۳۵ نفر در بخش سـاختمانی و راه‌سازی مشـغول بوده‌اند و از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ آمار دقیقی در زمینه تعداد کارگران فصلی وجود ندارد. اما بر اساس نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ که توسط مرکز آمار صورت گرفته است، کارگران ساختمانی ۱۱/۳۳درصد از کل اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند. زمان کار در طرح‌های ساختمانی به عنوان سابقه بیمه کارگر روزمزد محاسبه می‌شود و کارگران می‌توانند با جمع‌آوری سـابقه کار در صورت احراز شـرایط زمانی نسبت به بازنشستگی و برقراری مستمری اقدام کنند. ولی متاسفانه در همین تهران، بسیاری از کارگران پروژه‌های ساختمانی از حق و حقوق بیمه خود اطلاعی ندارند و در صورت بروز حادثه نمی‌دانند چگونه برای احقاق حقوق‌شان اقدام کنند. اصولا کارگران روزمزد را کسی بیمه نمی‌کند و در صورت بـروز حادثه یا صدمه به کارگر با دفاتر بیمه هماهنگ می‌شود تا مشکل قانونی برایشان پیش نیاید. در حالی که اقشار کم‌درآمد جامعه حداقل از بیمه روستایی یا کمیته امداد امام خمینی(ره) برخوردارند ولی کارگران روزمزد سـاختمانی از این حداقل‌ها نیز محروم هستند. کارگران سـرگذر چهارراه، روایت گذرهایی اسـت که به مرور زمـان به وجود می‌آید. افراد زیـادی هر روز در این محل‌ها حاضر می‌شوند و ساعت‌های بسیاری را در کنار هم می‌گذرانند، آن‌گونه که شبیه به خانواده‌ای بزرگ شده‌اند، خانواده‌ای که با آمدن یک ماشین و شخصی که خواهان کارگر است، به راحتی از هم می‌پاشد! آنها ساعت‌ها در یک طرف خیابان، می‌ایستند یا می‌نشینند یا در حاشیه فضای سبزی قدم می‌زنند. شاید هجوم دسته‌جمعی‌شان چندان عجیب نباشـد! آیا انتظار روزانه آنان که در بیشتر اوقات بی‌نتیجه می‌ماند، تامل‌برانگیز نیسـت؟ هر روز کارگران سـرگذر چهارراه‌ها را من و تو می‌بینیم. شـاید حتی این روزها در حضور هوای چندین و چند درجه‌ای تهران، روزه هم باشند. اما ما وقتی درست در اتومبیل خود نشسته‌ایم و باد بی‌تفاوتی و سـرد کولر ماشـین‌مان به ما می‌خورد، از کنارشـان به راحتـی عبور می‌کنیم؛ چه کسـی باید پاسخگوی انتظار بی‌نتیجه این کارگران باشد؟ یک کارگر کـه به گفته خودش دیپلم فنـی دارد، می‌گوید: به دلیل نبود کار حدود چهارسال است که کارگری می‌کنم. هر روز همراه من حدود سی، چهل کارگر به اینجا می‌آیند و برای به دست آوردن لقمه‌ای نان منتظر می‌مانند تا کسی پیدا شـود که نیاز به کارگر داشته باشد. وی با دلی پر از خون ادامه می‌دهد: از این تعداد کارگر معمولا هر روز هشت تا ده نفر می‌توانند کار پیدا کنند که آنها هم بیشتر ریش‌سفیدان هستند یا افرادی که زورشان زیاد است!

نه راه گریز نه راه گزیر!

کارگر دیگری می‌گوید: هشت‌سـال اسـت کارگری می‌کنم و هنوز نتوانسته‌ام پیشه دیگری انتخاب کنم. نگاه مردم نامناسـب است و برخورد خوبی با ما ندارند. همه به چشـم افراد معتاد، اوباش یـا زورگیر به ما نگاه می‌کنند. این گذرها جلوه زشـتی دارد اما چه باید کرد که چاره‌ای برای سیر کردن شکم همسر و فرزندان‌مان نداریم. کارگر دیگری به نام «رضا» از مشکلاتش می‌گوید: هفته پیش در حین کار، پایم دچار آسیب شد و از همان روز درد شدیدی را در پای خود حس می‌کنم، اما صاحب‌کار توجهی ندارد و پرداخت مزدم را منوط به اتمام کار کرده اسـت. وی با ابراز نارضایتی از اینکه «هیچ حمایتی از ما نمی‌شود و هیچ ارگانی حاضر به سـاماندهی وضعیت این قشـر نیست»، گفت: به اداره کار مراجعه کردم، اما بی‌نتیجه بود. یکی از کارگران ساختمانی گفت: ۲۴سال است که کارگر روزمزد هسـتم، در بعضی از پروژه‌های سـاختمانی مرتفع (چند طبقه) کارفرمایان کارگران را بیمه می‌کنند اما مبلغ بیمه از حقوق‌شان کسر می‌شود. یکی دیگر از کارگران می‌گوید: با وجود شش‌ماه کار در پروژه‌های ساختمانی مختلف هیچ وقت از طرف کارفرما بیمه نشدم و اگر به شرایط موجود نیز اعتراض کنیم بیکار می‌شویم. وی با بیان اینکه یک کارگر ساختمانی باید برای داشتن چند روز کار به حقوق بخور و نمیرش قانع باشد وگرنه بیکار خواهد بود ادامه داد: بیشتر کارگران سـرگذر یا روزمزد بیش از ۱۰ سال کار کرده‌اند ولی هیچ وقت بیمه یا سابقه کاری آنها محاسبه نشده است!

زمانی برای اوستاهای بخیل!

کارگر جوانی از مهارت خود می‌گوید: کارگر سرگذر هر روز به سـمتی می‌رود. یک روز کارگر بنا، یک روز کارگر گچ‌کار و روز دیگر شاید بارکش باشد. بیشتر خراب کردن خانه‌های قدیمی کارمان شده است. استادکاران تنها به فکر پیشبرد کار خود هستند و چیزی به ما یاد نمی‌دهند.

چه کسی، مسوول ماست!

کارگـر دیگری گفت: نمی‌دانیم موضوع سـاماندهی کارگران سـرگذر به چـه ارگانی مربوط اسـت اما در هر صورت از مسـوولان خواهش می‌کنیم به فکر ساماندهی کارگرهای سـرگذر باشـند. لااقل ۱۰ مکان را در شـهر مشـخص یا مکانی را مخصوص ما درسـت کنند. مکانی باشد که مهارت‌ها در آن تقسیم‌بندی شود، کارگرها دارای نوبت باشند تا دیگر اختلافی پیش نیاید. یکی از نقاشان با نام «علی» که شهرستانی است، می‌گوید: ۱۷سال سابقه کار دارم. تعریف از خود نباشد، کمتر کسی است که بتواند رنگ را مثل من در بیاورد.

سـال‌های پیش وضع کار خیلی خوب بود و همه جا کار داشتم و بیشـتر در مجتمع‌های بزرگ کار می‌کردم، اما دو سـالی اسـت کـه وضع کار خراب شـده اسـت. ساختمان‌سازی‌ها کم شده، حرفه‌های دیگر جای حرفه ما را گرفته‌اند و دیگر از حرفه نقاشی استقبال خوبی نمی‌شود. وی ادامـه داد: از ایسـتادن در اینجا جز کارهای کوچک چیزی نصیبم نمی‌شود که بعضی از این کارها یک هفته‌ای یا یکی، دو روزه است و اصلا به لحاظ مالی صرف نمی‌کند، هر چند ناشکری نمی‌کنم اما متاسفانه کارهای بزرگی که سـراغ دارم به دست نقاشان ناشی‌ای می‌افتد که به علت پایین بودن قیمت دستمزدشان، کار را از ما گرفته‌اند.

همیشه پای بیکاری در میان است!

کارگـر دیگری می‌گوید: بیشـتر روزهـا اینجا کاری نیسـت و مجبورم با سابقه ۲۰ساله‌ام کار را که یک کارگر سـاده باید انجام دهد، بپذیرم. در سمت کارگران ساده و کم‌مهارت، کارگرانی دیده می‌شـوند از ۱۶سال تا پیرمرد ۶۳ساله که حتی در روزهای آخر هفته و ایام تحصیل نیز کار می‌کنند گویا جوانان محصل نیز در این جمع به چشم می‌خورند. سـاماندهی کارگـران خیابانی هنوز به نتیجه مطلوب نرسیده است. رییس سابق اداره کار استان تهران با بیان اینکه شهرداری زحمات زیادی در خصوص ساماندهی کارگران خیابانی کشیده می‌گوید: با وجود اقداماتی که در این خصوص انجام شـده اما دیگر خبری از آن نیسـت و موضوع به نتیجه خاصی نرسـیده است. علی مظهری در خصوص سـاماندهی کارگران ساختمانی سر چهارراه‌ها، می‌گوید: اجرای این موضوع مربوط به سـال‌های گذشته است که با همکاری چند دستگاه مختلف بود و شهرداری کارهایی در این خصوص انجام داد اما دیگر خبری از این طرح نیست! مظهری درباره حل ریشه‌ای موضوع حضور کارگـران سـاختمانی چهارراه‌ها، معتقد اسـت: اگر در استان‌های نیمه برخوردار، صنایع و اشتغال و زمینه‌های کار فراهم شود کارگران سر چهارراه‌ها که اکثر آنها شهرستانی هستند به سمت تهران مهاجرت نمی‌کنند! به گفته وی، برنامه‌ریزان استان تهران معتقدند دولت باید تمام تلاش خود را برای توسعه استان‌ها به خصوص شهرهای محروم به کار گیرد تا جمعیت جوان و کارجو شـهرهای دیگر به تهران مهاجرت نکنند. مظهری می‌افزاید: اکثر کارجوهای تهرانی از تحصیلات و مهارت برخوردارند، بنابراین سرگذر برای کار نمی‌ایستند. همچنین سازمان فنی و حرفه‌ای و نظام مهندسـی مسوولیت آموزش کارگران ساختمانی را برعهده دارد و توصیه شده که کارفرما از افراد دارای مهارت استفاده کند. وی با بیان اینکه ۳۰۰هزار فرصت شغلی در تهران در اختیار اتباع بیگانه است، اظهار می‌دارد: اداره کار استان تهران هنوز در مورد حضور بیش از این تعداد اتباع بیگانه در تهران به نتیجه قطعی نرسیده است.

اداره کار، مسوولیتی ندارد

وقتـی بـا شـماره ۶۶۷۰۲۱۵۲ اداره کل کار و امور اجتماعی تهران، بیش از چندین و چندبار تماس می‌گیرم تا صحبت‌های او را بشنوم، متاسفانه کسی گوشی را جواب نمی‌دهد، اما موفق می‌شـوم تا با یکی از روسای اداره کل کار و امور اجتماعی استان‌های جنوبی صحبت کنم و از او در مورد مسوولیت سازماندهی کارگران سرگذر چهارراه‌ها بپرسم. او می‌گوید: مسوولیت کارگران چهارراه‌ها، ارتباطی با اداره کار ندارد! وقتی از وی توضیح بیشتری می‌خواهم، می‌گوید: آنها کارگرند و جویـای کار ما متولی کارگرانی هسـتیم که در کارگاه‌هـا کار می‌کنند. کسـانی که در چهارراه‌ها می‌ایستند، روزمزد هستند و به آنها بیمه تعلق می‌گیرد. وقتی از قهرمان طاهری درباره برنامه‌ای راجع به سازماندهی این کارگران می‌پرسم، می‌گوید: این کارگران بایـد به اداره فنی‌وحرفه‌ای مراجعه کرده، ثبت‌نام کنند و پس از فراگیری آموزش‌های لازم، وام خوداشتغالی بگیرند!

نتیجه اخلاقی!

به هر حال، «شـرق» برای پیگیری وضعیت کارگران سـر گذر، به اصلی‌ترین سازمان تخصصی کار یعنی اداره کل کار و امـور اجتماعی مراجعه کرد تا مطالبات به حق این قشـر زحمت‌کش را مطرح کند، اما این سازمان گویا حتی پاسخگو هم نیست. امیدواریم که سازمانی غیر از اداره کار پیدا شود که داد مظلومانه پدرانی که لقمه نانی برای گذاشتن سر سفره فرزندان‌شـان را ندارند، پیدا کنند. در روزهایی که ملت ایران به مردم رنجدیده سـومالی کمک می‌کنند کاش مسوولان را به یاد مردان و خانواده‌هایشان بیندازد که واقعا نانی برای خوردن ندارند! کافی اسـت به چهارراهی مثل گلبرگ غربی یا میدان تختی تهران، سر بزنی! آنجا، سومالی را خواهی دید!

۷ روز تا پایان ماه رمضان

سبد کالایی به دست کارمندان و کارگران نرسید

مهر: ماه مبارک رمضان تا چند روز دیگر به اتمام می‌رسد و به‌رغم وعده‌های مسـوولان، سـبد کالایی کارمندان، کارگران و کالابرگ همچنان بلاتکلیف اسـت در حالی کـه قرار بود کالاهای حمایتی ایـن دو ابزار، ماه رمضان بر سر سفره مردم قرار گیرد. ۲۳روز از ماه مبارک رمضان گذشـت، ماهی که در ابتدای آغاز آن، وعده‌های زیادی برای تامین مایحتاج مورد نیاز مردم داده شد که بخشی از آنها عملیاتی و بخشی دیگر، همچنان در بلاتکلیفی به سر می‌برند. ماهی که قرار بود در آن، بخشی از مایحتاج مورد نیاز مردم به صورت یارانه‌ای و در قالب سـبدهای کالای کارمنـدی و کارگری و نیز ارایـه کالا در قالب کالابرگ تامین شـود، وعده‌ای که هنوز هم اتفاق نیفتاده و حتی اگر قرار باشـد امروز، دولت منابع مالـی لازم برای آن را تامین کند، این سبد به ماه رمضان امسال مردم نمی‌رسد، چه رسـد به اینکه قرار باشد نقش تعادلی هم در تنظیم بازار داشته باشد.

این در شرایطی است که حتی تامین منابع مالی لازم برای ارایه این سبدهای کالایی به مردم در قالب مصوبه‌ای مورد موافقت دولت قرار گرفته اسـت، اما از آنجا که همه چیز باید در اختصاص بودجه‌ها دچار مشکل شود، این سبد تا امروز که ۲۳روز از ماه مبارک رمضان می‌گذرد، هنوز هم روانه منازل کارمندان، کارگران و بازنشستگان نشده است.

در واقع، اواخر تیرماه بود کـه وزارت بازرگانی از ارایه درخواست ۳۰۰میلیارد تومان اعتبار برای توزیع کالاهای کالابرگـی در سـال ۹۰ خبـرداد و اعلام کـرد که این درخواسـت مورد موافقت واقع شده و در شرف تخصیص است اما در شـرف تخصیص بودن همانا و نرسیدن این سبد کالایی به دست مردم در ماه رمضان ۹۰ همانا.

همچنیـن قـرار بـر این بود کـه از محـل کالاهای ذخیره‌سازی‌شـده بتوان مشـابه سـال قبل، یک نوبت روغن‌نباتی کالابرگی و یک نوبت شکر را در قالب کالابرگ توزیع کرد که هنوز هم خبری از این کالاها نیسـت. این اعتبار در شرایطی هنوز هم تخصیص نیافته است که بر اساس گفته مسـوولان، اختصاص این رقم به سبدهای کالایی با دسـتور ویژه معـاون اول رییس‌جمهور بوده و مورد توافق وزارت بازرگانی، سـازمان هدفمندی یارانه‌ها و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری واقع شـده است. به هرحال، مهم این نیست که چرا این اعتبـارات تخصیص نیافته، بلکه مهم آن اسـت که این سبدهای کالایی هنوز پایشـان به خانه‌های کارمندان و کارگران باز نشده و با اینکه ۲۳روز از ماه رمضان می‌گذرد، هنوز این وعده محقق نشده است.

خبر

دیدگاه فعالان اقتصادی درباره حذف یارانه مرفهان و کمک به تولید

■ **ایسـنا:** به گفته برخی از فعالان اقتصادی، سیاست حذف یارانه اقشـار مرفه ارتباط چندانی با دادن یارانه به بخش تولید کشور ندارد چراکه میزان آن نمی‌تواند به اندازه‌ای باشد که پاسخگوی بخش تولید شود. پس از اعلام کارگروه تحول اقتصادی مبنی بر بررسی حذف یارانه اقشار مرفه برخی فعالان اقتصادی عنوان کردند که این اقدام هرچند در جهت هدفمندشدن بهتر یارانه‌ها خواهد بود امـا نمی‌تواند کمک زیادی به بخش تولید کند. پدرام سلطانی، نایب‌رییس اتاق ایران در این مورد عنـوان کرد: من فکر می‌کنم چون برای پرداخت یارانه کسـری دارند، این اقدام را می‌خواهنـد انجام دهند و قرار نیست میزانی را به بخش خصوصی بدهند چراکه به اعتقاد خیلی از کارشناسـان مقایسه درآمد ناشی از هدفمندسازی یارانه با میزان مخارج کسری ۱۰ تا ۱۵هزار میلیارد تومانی دولت را نشان می‌دهد و به همین جهت هم است که دولت تدابیری اتخاذ کرده تا این کسری را جبران کند. وی ادامه داد: البته شاید با این اقدام مجال اندکی پیدا شود که یارانه‌ای هم به بخش تولید بدهند اما به هر حال فکر نمی‌کنم که بخش تولید یارانه خود را به صورت کامل بتواند دریافت کند. سلطانی تصریح کرد: البته تلاش ما این است که پیگیر این مطالبه بخش خصوصی باشیم اما به نظر می‌رسد رسیدن به ۱۰هزار میلیارد تومان سهم بخش تولید مشکل باشد. محسن بهرامی، عضو اتاق ایران نیز در این مورد در گفت‌وگو با ایسنا بیان کرد: جدای از اینکه یارانه‌ها به چه اشخاصی داده شـود این میزان برای تخصیص به خانوار است و در اینجا آنچه مهم به نظر می‌رسـد کل سهم تولید از بازتوزیع درآمدهای حاصل آزادسازی قیمت‌هاست. وی یادآور شـد: قرار بود ۳۰درصد این درآمدها را به بخش تولید اختصـاص دهند و ۵۰درصد را بـه خانوار. حال ممکن اسـت این ۵۰درصد سهم خانوار را به دو دهک یا پنج دهک بدهند که در هر صورت به سـهم بخش تولید ارتباط چندانی ندارد. هوشنگ فاخر، عضو دیگر اتاق ایران در این مورد اعتقاد دارد که حذف یارانه اقشار مرفه ارتباط چندانی با دادن یارانه به بخش تولید ندارد. وی در این مورد گفت: سهم خانوار چه زیاد، چه کم شود فعلا که از اواخر سال گذشته این بخش تولید بوده که هزینه‌ها را پرداخت کرده است. فاخر اضافه کرد: میزانی که قرار است دولت به بخش تولید بدهد هزینه برق، آب و گاز یا سوخت است که در چند ماه اخیر افزایش یافته است. به خصوص در برخی کالاها هزینه حمل کرایه‌ها نیز رشـد داشـته که این میزان حتی به ۳۰درصد هم می‌رسـد. با وجود این افزایش هنوز خبری از پرداخت سهم تولید نیست.